

مقالات پژوهشی

زنان میراث‌دار سفره‌های هفت‌سین و نذری

دکتر محمد همایون سپهر*

homayonsepehr@radioresearch.ir

مقدمه

نذر و جنبه‌های آئینی و مناسکی آن یکی از کهن‌ترین مراسمی است که بین انسان از یک طرف و جهان مینوی از طرف دیگر از گذشته‌های دور تا به امروز جریان و تداوم داشته است.

کشف گندم و جو را به ایزیس نسبت می‌دادند و در جشنواره‌هایش جوانه این غلات را به یادبود نعمتی که بر بشر ارزانی داشته بود با تشریفات حمل می‌کردند. آگوستین تفصیل بیشتری می‌دهد. او می‌گوید: ایزیس جو را زمانی کشف کرد که مشغول ادای نذر و پیشکشی برای نیاکان مشترک خود و شوهرش بود. (فریزر، ۱۳۸۳: ۴۳۳). در توضیح‌المسائل، مساله ۲۶۴۰ نذر چنین شرح داده می‌شود:

نذر آنست که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خدا به‌جا آورد یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید. در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست آنرا به عربی بخوانند، پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم نذر او صحیح است. مسئله‌های ۲۶۴۰ تا ۲۶۷۰ مربوط به نذر و احکام آن می‌باشد. واژه نذر و نذری معمولاً با مجموعه‌ای از لغات دیگر مانند نیت، حاجت، نیاز، درخواست، طلب و توسل آورده می‌شود. و در واقع صورتی از معامله را دارد که یک طرف آن انسان و طرف دیگر، خدایان، ایزدان، فرشتگان، پیامبران، مقدسین ادیان، اولیاء و بزرگان دینی و حتی در دایره‌ای وسیع‌تر بسیاری از نیروهای طبیعی و ماوراء طبیعی قرار دارند. در معامله نذر می‌توان، قید شرطی بودن را در نیت آورد، یعنی نذرکننده در نیت خود شرط می‌کند در صورتی که حاجت یا درخواست او برآورده نشد او هم ملزم به تعهد خود نمی‌باشد.

در این پژوهش از نظریات انسان‌شناسانی مانند: گیرتس (Geertz)، ترنر (Terner)، اشنايدر (Schneider) و همچنین جامعه‌شناسانی مانند جرج هربرت مید (Mead)، تالکوت پارسونز (Parsons) و هومنز (Homans) و همچنین از نظریات فریزر (Frazer.J) و هانری کرین (Henry Corbin) بهره‌مند شده‌ایم.

* عضو هیئت علمی گروه مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

**نذر و جنبه‌های آئینی و مناسکی آن یکی از
کهن‌ترین مراسمی است که بین انسان از یک
طرف و جهان مینوی از طرف دیگر از گذشته‌های
دور تا به امروز جریان و تداوم داشته است**

در تحقیق حاضر، سفره‌های نذری و صورت‌های گوناگون آن در مراسم آئینی، ملی، مذهبی مورد نظر می‌باشد که به آن پرداخته شده است و سعی شده که به پرسش‌های فراوان آن از دیدگاه علمی (انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی) پاسخ‌های مناسب و منطقی داده شود.

سفره‌های نذری و جلوه‌های آن

سفره‌های نذری یکی از زیباترین آیین‌های ملی، مذهبی

و اعتقادی است که پس از هزاران سال هنوز مورد احترام، علاقه و باور ایرانیان (زرتشتی - شیعه) می‌باشد. تاریخچه پیدایش سفره‌های آئینی، ملی و مذهبی به درستی مشخص نیست، ولی از قراین و شواهد موجود، جشن‌ها و مراسم باقی مانده، مانند نوروز، مهرگان، گاهنبارها و جشن خوانی، عمری به درازی هزاره‌ها دارند. توجه به مراسم دینی و شعائر زرتشتیان که حالیه کم و بیش باقی است و سفره‌هایی که به نذر یا عهد، یا اجرای مراسم دینی در جشن‌ها و سوگ‌ها و یادمانها پهن و گسترده می‌شود.

(... سفره‌های نذری که امروز میان ایرانیان مرسوم است بازمانده بگمازها و مراسم آفرینگان خوانی و در شکل گسترده‌اش گاهنبارهاست.

(رضی، ۱۳۸۰: ۳۹۹)

۱- سفره‌های آئینی، ملی، مذهبی و مناسبتی زرتشتیان

به‌طور کلی سفره‌های زرتشتی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف: سفره‌هایی که به مناسبت نوروز، گاهنبارها، جشن خوانی، آیین نوروزی و جشن‌های دوازده‌گانه مانند فروردین‌گان، اردیبهشت‌گان و غیره و همچنین سدره‌پوشی، گواگیری و مراسم درگذشتگان، مهرگان، شب‌چله، جشن‌سده، چهارشنبه‌سوری و دیگر مراسم می‌کشند.^(۱)

«زرتشتیان برای هر جشن یا مراسم سفره‌ای در جای مناسبی در خانه یا در مکانی مانند تالار آتشکده یا آدریان می‌گسترانند. در بیشتر سفره‌ها نمادهایی از آمشاسپندان وجود دارد. سفره‌ای از پارچه سفید را بر زمین می‌گسترانند که سمبل آمشاسپند سپندارمذ (آرمئی تی) است.

این آمشاسپند در نقش مادی خود نگهبان زمین است. (نیکنام، ۱۳۷۹: ۲۷)

ب: سفره‌هایی که به آنها می‌توان عنوان نذری داد؛ یعنی شخص جهت برآورده شدن حاجت خود آن‌را نذر و در صورت گرفتن مطلب خود آن‌را آدا می‌کند.

«در زرتشتی‌گری رسمی، آیین‌هایی برگزار می‌شود که با سفره همراه است، مانند گاهان‌بارها و دردگان. اما هر به‌دین می‌داند جز این سفره‌ها که در متون دینی نام و چگونگی برگزاری آنها آمده است، سفره‌های دیگری نیز هست. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد این

۱- زرتشتیان واژه یا مصدر «کشیدن» را معادل «انداختن، پهن کردن و گستردن سفره» در فارسی فعلی به‌کار می‌برند.

سفره‌ها عبارتند از: سفره بی‌بی سه‌شنبه، سفره شاه‌پریان و سفره پیروهمن روز و نیز میان جمعی از به‌دینان مشکل‌گشا نیز هنوز سفره دارد. (مزداپور، ۱۳۷۶: ۳۸۳)

۲- سفره‌های آیینی، ملی، مذهبی و مناسبتی ایرانی (شیعه)

سفره‌های ایرانی (شیعه) نیز به دو بخش تقسیم می‌شوند:

الف) نخست سفره‌هایی که جنبه آیینی، ملی و مذهبی دارند، مانند: سفره نوروزی هفت‌سین و دیگر سفره‌ای است که اکثر ایرانیان در هنگام عقد ازدواج در پای آن می‌نشینند و در آن هنگام خطبه عقد جاری می‌شود. و دیگر از سفره‌ای که در هنگام برگزاری مجلس ختم درگذشتگان از آن استفاده می‌کنند و در میان مسجد یا مکانی که ختم در آن برپا می‌باشد گسترده می‌شود و آن پارچه ترمه‌ای است که بر روی آن قاب و قدح می‌گذارند. معمولاً این ظروف خالی است که جنبه نمادین و سمبولیک دارد. از آن به‌نام سفره یاد نمی‌شود ولی عملاً همانند سفره‌ای است که زرتشتیان در پُرسیه درگذشتگان پهن می‌کنند.

ب: دوم سفره‌های نذری شیعه - زنانه: سفره‌های نذری زنانه معمولاً در استانهای مختلف (شهرها، روستاها و نزد اقوام) به صورتهای گوناگون نذر و گسترده می‌شود که طبعاً در ارتباط با اوضاع طبیعی و جغرافیایی و همچنین خرده فرهنگ‌ها و سلیقه‌های مختلف می‌باشد.

سفره‌های نذری رایج در ایران (مسلمان - شیعه اثنی‌عشری)

۱- سفره‌های حضرت فاطمه‌الزهرا (س)

۲- سفره حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)

۳- سفره حضرت رقیه (س)

۴- سفره حضرت امام حسن مجتبی (ع)

۵- سفره حضرت قاسم (ع)

۶- سفره حضرت زینب (س)

۷- سفره امام زمان (عج)

۸- سفره ام‌البنین (مادر حضرت ابوالفضل‌العباس) (س)

۹- سفره حضرت خضر نبی

۱۰- سفره بی‌بی حور و بی‌بی نور

۱۱- سفره بی‌بی سه‌شنبه

۱۲- سفره آجیل مشکل‌گشا

در فهرست فوق می‌توان اسامی تعداد دیگری از



سفره‌های نذری را که با عنوان‌های مختلف در شهرها و روستاها در ارتباط با باورها و اعتقادات قومی و محلی نذر و نیاز گسترده می‌شود نام برد. سفره حضرت علی (ع)، سفره دیگچه حضرت فاطمه (س)، سفره چنگال، سفره حضرت ابراهیم، سفره جوادالائمه (ع)، سفره پنج تن آل عبا و سفره سبز (کرمان) از آن جمله‌اند.

سفره‌های ایرانی نمادی از یک مزرعه و باغ بهشت

برای شناخت و تحلیل سفره‌های ایرانی به طور کامل و سفره‌های نذری بویژه، باید به سوی مکتب انسان‌شناسی نمادین و تفسیری رفت و همچنین به سراغ انگاره‌های دیگری که در مقدمه به آن اشاره شد. انسان‌شناسی نمادین و تفسیری (Symbolic and Interpretive Anthropology) گرایشی است که از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ عمدتاً درون انسان‌شناسی فرهنگی آمریکا به وجود آمد و به طور کلی از این باور حرکت می‌کند که فرهنگ مجموعه‌ای از معانی است که از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود و بنابراین برای درک آن باید ابتدا به سراغ تحلیل این نمادها رفت.

از لحاظ منطقی، همان‌گونه که گفته شد انسان‌شناسی نمادین را باید دنباله‌ای از انسان‌شناسی دینی دانست، بدین معنی که در این گرایش دین به مثابه مجموعه‌ای از معانی نمادین در نظر گرفته می‌شود و یکی از نظام‌های معنایی آن است که در هر فرهنگی از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. با این حال شیوه تحلیلی از دین کاملاً با رویکردهای پیشین متفاوت است، زیرا هر چند در نهایت دین در پیامدهای اجتماعی‌اش مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد اما این امر بیشتر فرایندهای دینی و به ویژه مناسک را در نظر دارد که خود با قراردادن فرد و گروه در شرایطی دراماتیک (تئاترگونه) تفسیر نشانه‌ها را ساده‌تر می‌کند. بحث در این انسان‌شناسی در واقع آن است که شبکه‌های معنایی چگونه از خلال نمادها شکل می‌گیرند و چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چه فرایندهایی را برای درک محیط و جهان بیرونی برای فرد و گروه ایجاد می‌کنند.» (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۵۵)



به گفته اکثر مورخان و باستان‌شناسان، زنان نخستین کاشفان گندم در جهان بودند و نخستین کشتگر آن «در این جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود؛ وی گذشته از آنکه نگهبان آتش و شاید اختراع‌کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می‌بایست چوبدستی به دست گرفته در کوهها به جستجوی ریشه‌های خوردنی نباتات یا جمع‌آوری میوه وحشی بپردازد. شناسایی گیاهان و فصل روئیدن آنها و دانه‌هایی که می‌آوردند مولود مشاهدات طولانی و مداوم بود و او را به آزمایش کشت و زرع هدایت می‌کرد. نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمینهای رسوبی انجام گرفت و در



همان حال که مرد اندک پیشرفتی کرده بود، زن با کشاورزی ابتدایی خود در دوره حجر متأخر که اقامت در غار بدان متعلق است، ابداعات بسیاری نمود. در نتیجه می‌بایست تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود. و شاید همین امر اساس بعضی جوامع اولیه که زن در آنها بر مرد تفوق یافته، بوده است. درچنین جوامعی (و همچنین جوامعی که تعدد شوهران برای زن معمول است) زن کارهای قبیله را اداره می‌کند و به مقام روحانیت می‌رسد. در عین حال زنجیر خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می‌گیرد، چه زن ناقل خون قبیله به خالصترین شکل خود به شمار می‌رود. خواهیم دید که این طرز اولویت زن یکی از امور مختص ساکنان اصلی نجد ایران بوده و بعدها در آداب آریائیان فاتح وارد شده است (گیرشمن، ۱۱:۱۹۵۱). این موضوع توسط ویل دورانت، (۱۲:۱۳۸۱)، گوردن چالد (۱۳۴۶: ۵۳)، ائولین رید، (۱۳۶۳: ۱۷۵)، فریزر، (۱۳۸۲: ۴۳۷) و دیگران تأیید شده است.

کشاورزی و مادر کبیر

«جامعه کشاورز» زایش را تشویق می‌کند و زاینده‌گان (مادران) که خوراک دهندگان نیز هستند مورد ستایش اند. زنان همان گونه که خود می‌زایند، زمین را نیز بارور می‌کنند. زن «مادر انسان» و «مادر زمین»

است. او «مادر کبیر» است چشمه زندگی در پستان او جاری است، پس آبهای شیرین و رودهای پهناور نیز در اختیار اوست. شیر مادر انسان را تغذیه می‌کند و آب شیرین زمین را. از درون هر دو زندگی جدید آغاز می‌شود که پربرکت است در سراسر مناطقی که کشاورزان باستانی در آن می‌زیستند پیکرکهای گلین از «خدایان اولیه با اندامهای برجسته زایشی در کلیه کشتار سر بر آوردند». (لاهیجی و کار، ۵۰:۱۳۸۱)

وجود پیکرکهای گلین در اکثر نقاط ایران مانند «تپه سراب کرمانشاهان» (هزاره هفتم ق.م) پیکرکهای گلینی زن با تزئیناتی روی بدن، (محل کشف، ری، هزاره چهارم ق.م) و همچنین شوش، تل باکون فارس، چغازنبیل، تپه مارلیک گیلان (بین هزاره چهارم تا هزاره اول ق.م) می‌باشد. «درعهدی که آنرا می‌توان بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ سال ق.م قرار داد. تغییر تدریجی آب و هوا صورت گرفت. عهد بارانی از بین رفت و عهدی که اصطلاحاً آنرا عهد خشک نامند و هنوز هم ادامه دارد جانشین آن گردید». (گیرشمن، ۱۱:۱۹۵۱).

از جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت:



۱- بارداری، زایش یا فرزندآوری، شیردهی و نگاهداری و تربیت فرزندان توسط زنان نظام یافت.

۲- جمع‌آوری ریشه‌های نباتی و میوه‌های وحشی و دانه‌های خوراکی را زنان انجام می‌دادند.

۳- نگهداری از آتش و ساخت ظروف سفالی و ابزارهای ابتدایی کشاورزی و وسایل خراش و تراش اموری زنانه بود.

۴- شناخت دانه‌های وحشی غذایی مانند گندم و جو و کاشت و داشت و برداشت آنها و شناخت فصول جهت نظم در امور کشاورزی و باغداری یکسره کاری زنانه بود.

۵- شناخت گیاهان شفابخش و مداوای بیماران و ارتباط با

نیروهای نامرئی و جهان جادویی و احتمالاً خواندن اوراد و رموز جادویی در اختیار زنان بود. بنابراین «این‌طور اولویت زن یکی از امور مختص ساکنان اصلی نجد ایران بود و بعدها در آداب آریاییان وارد شده است.» (همان)

«دوران زن‌سالاری در فلات ایران با قدرت هرچه تمامتر تحقق یافته و با اینکه شباهت‌هایی با جوامع دیگر داشته، اما از ویژگی‌هایی هم برخوردار بوده است. در این عصر اغلب ارباب انواع به شکل زنان زیبا و خوش اندام و مظهر خرد و دانش تصویر شده‌اند.» (دفتر پژوهش‌ها، ۱۳۶۹: ۲۷)

باید اضافه کرد که یکی از نکات بسیار جالب اسطوره‌های ایرانی، همتایی و برابری تعداد ایزدان و آمشاسپندان زن با ایزدان و آمشاسپندان مرد است. (همان: ۱۳۷).

در چهره‌بندی سیمای مینوی اهورامزدا و آمشاسپندان، بهمن، اردیبهشت و شهریور سه آمشاسپند مذکر در سمت راست اهورامزدا و سه آمشاسپند مونث، (سپندارمذ، خرداد و مرداد) در سمت چپ او جای دارد.

نذر و نیاز، اساسی‌ترین مشغله ذهنی زنان در عصر پارینه‌سنگی در حمایت از خانواده و در ارتباط با قوای جوی و ماوراءالطبیعه جهت بارش و حاصلخیزی مزارع بود.

پری‌ها جزء جنود اهریمن بر ضد زمین، گیاه، آب، ستوران و آتش در کارند. همین پریها هستند که به شکل ستارگان دنباله‌دار با تشر (فرشته باران) در ستیز و رزمند تا وی را از بارندگی بازدارند و زمین را با خشکی ویران سازند. (همان: ۱۶۲)

همانطور که ذکر آن رفت نجد ایران بین ۱۰ تا ۱۵ هزار سال ق.م دوران خشک خود را شروع نمود و نخستین روستاها در همین دوران شروع به بالیدن نمودند. امور کشاورزی و تولید در دست زنان بود و تصویر جهانی جاندار در ذهن آنها متصور خشکسالی، بلاهای طبیعی مانند صاعقه، سیل، گردباد و طوفان، هجوم حشرات موذی و همچنین آفات گوناگون مزرعه او را به خطر می‌انداخت. گرچه این

مزارع در ابتدا پهناور و گسترده نبودند و نقش‌های سفال‌های سیلک و شوش محدودیت آن‌را به نمایش می‌گذارد، با این حال او نیازمند به حمایت نیروهای فوق طبیعی می‌بود، همان‌طور که بعدها تجلیات آن‌را در گاتها می‌بینیم. «سپینتا آرمیتی محبوب، توسعه بده مملکت را، تو ای مادر گله گاوها و مردم، بنابراین او توسعه داد زمین را به حدی که یک سوم فراتر از پیش شد». (وهاب، ولی، ۱۳۶۹: ۱۳۲)

در اینجاست که شاید بتوان اولین فرضیه خود را در ارتباط با نذر و سفره‌های نذری مطرح نمائیم و همان‌طور که هومنز نیازهای اساسی طبع انسان را «پاداشهای نخستین» نامیده است (توسلی، ۱۳۷۰: ۴۱۳) بنابراین نذر به عنوان صورتی از مبادله با جهان مینوی و نیروهای فوق طبیعی صورت می‌گیرد. سفره به عنوان نمادی کوچک شده از مزرعه به درون خانه «کشیده» می‌شود و به گفته «گیرتس»، «بحث در این انسان‌شناسی در واقع آن است که شبکه‌های معنایی چگونه از خلال نمادها شکل می‌گیرند و چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چه فرایندهایی را برای درک محیط و جهان بیرونی فرد و گروه ایجاد می‌کنند». (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۵۵)

سفره نمادی از مزرعه به صورت پارچه‌ای سفید (نمادی از زمین قبل از کشت) یا به صورت رنگ سبز (مزرعه در حال روئیدن) در داخل اتاق خانه توسط بانویی مسن (نمادی از مادر کبیر) گسترده می‌شود. ظرفی آب و مقداری آرد گندم و شمع یا چراغی روشن در داخل سفره قرار می‌دهند که خود گویا نخستین آرکتیپ یا گندم نخستین، آب ازلی و نور یا روشنایی اهورایی در برابر اهریمن می‌باشد و این حکم تقریباً در تمام سفره‌های آئینی، ملی و مذهبی و سنتی رایج است. در سفره عقد در گذشته نانی گذاشته می‌شد. در سفره‌های نذری آرد نمادی از گندم در سفره هفت‌سین، سمنو نمادی از فرآورده گندم، در سفره‌های ترحیم یا ختم حلوا و یا در سفره‌های زرتشتی نان یا فرآورده‌ای از گندم پایه اساسی آن را تشکیل می‌دهد.

حضور زنان در سفره‌های نذری نقش مشارکتی آنها را در مزرعه گوشزد می‌کند و نوع همیاری را در سفره‌های نذری (زنانه). معمولاً شروع مراسم با دعاها و درخواست یا استغاثه آغاز می‌گردد (دعای توسل). نقش سوگ در سفره‌های نذری جای تأمل دارد. چنانچه خود اهورامزدا نیز در این مورد خطاب به آنها می‌گوید: «از تو باید دختران قابل شوهر (دم بخت) سالمی از برای سروری (همسری)، و از برای یک خانه خدای دلیر استغاثه کنند. از تو باید زنان جوان در وضع حمل از برای زایش خوب استغاثه کنند، تویی آن کس که همه اینها به جای توانی آورد، ای اردویسور ناهید (وهاب ولی، ۱۳۶۹: ۱۴۵).» فریزر تحقیقات بسیار مفصلی درباره کشت توسط زنان در مناطق مختلف انجام داده است که با آئین‌های سفره در ایران شباهت دارد. «اگر دمتراً واقعاً تجسم غله بود، طبیعی است که بیوسیم یونانیان غله را بیشتر به صورت الهه و زن خدا مجسم می‌کردند تا خدا؟ چرا منشأ کشاورزی را بیشتر به نیرویی مؤنث نسبت می‌دادند تا قدرتی مذکر؟ آنها روح تاک را مذکر می‌دانستند، چرا روح جو و گندم را مؤنث می‌دانستند؟ به این نکته چنین پاسخ داده‌اند که تجسم غلات به صورت مؤنث یا در هر صورت انتساب کشف کشاورزی به یک الهه به خاطر نقش مهمی بود که زنان در کشاورزی اولیه داشته‌اند.» (فریزر، ۱۳۸۳: ۴۶۱).» نقش زنان در آئین‌های سفره‌های نذری در میان زرتشتیان و شیعیان ایرانی بر بنیاد اصلی کهن استوار است که تا به امروز همچنان پابرجاست.

بین اقوام کنگوی سفلی «زنان باید در حین کاشت دانه کدوتنبل و کدو قلیانی پاکدامن بمانند نباید به گوشت خوک دست بزنند و



پیش از دست زدن به بذر باید دست‌هایشان را بشویند. اگر زنی همه این قواعد را رعایت نکند نباید به کار کشت بذر پردازد وگرنه محصول خوبی به دست نمی‌آید. او کار شخم را انجام می‌دهد و دختر کوچکش یا کس دیگری که قواعد را رعایت کرده است دانه را می‌کارد و رویش خاک می‌ریزد.» (همان: ۴۶۲)

سفره‌های ایرانی تبلور دو جلوه مینوی بهشت (مزرعه و باغ)

«آدمی با درک هدفهای تشکیل‌دهنده این عالم که در آن زمین به صورت فرشته خود

مجسم شده اندیشیده شده و در وجود فرشته خود دیدار شده، در می‌یابد که در میان پاسخ آوردن به مسائل مربوط به ذوات (این چیست؟) کمتر مورد نظر است تا به سؤالات مربوط به اشخاص (این کیست؟). «با چه مطابقت دارد؟ مثلاً زمین کیست، آنها کیستند، گیاهان، کوهها کیستند، یا با که مطابقت دارند؟» (کربن، ۱۳۸۳: ۴۹)

سفره نذری نماد یا سمبل فرشته‌ای است که مشخصات آن «در یسنا ۴۵، بند ۴ او را دختر اهورامزدا و متعلق به وی می‌دانند... کسی که خاک را آبادان کند، مرز و بوم را از کشتزار خرم و شاد گرداند، نگهبان زمین، (سپنتا آرمیتی) از او خشنود گردد و از خشنودی وی است که از بخشایش پدر آسمانی، «اهورامزدا» برخوردار می‌شود. (وهاب، ولی، ۱۳۶۹: ۱۳۱)

کُربن در «ارض ملکوت» کلام فلسفی و پیچیده و مثالی مهین فرشته زمین (سپندارمذ) را در دین مزدایی و انتقال آن را به جهان باوری شیعی تشریح کرده و صورتی ساده و دلپذیر به آن می‌دهد و ما می‌توانیم در بیان نظریه خود از آن استفاده کنیم.

«در جمع فرشتگان انواع، اسفندارمذ نمایان است، نکته‌ای پرمعنی که از خبرگی محقق پرده برمی‌دارد، اینکه؛ سهروردی به نوبه خود، اصطلاح قدیم ایرانی خاص را به کار می‌برد که همانطور که دیدیم، در اوستا بر کار و وظیفه سپنته آرمیتی اطلاق می‌گردید، یعنی کدبانویی. وظیفه «بانوی خانه» اسفندارمذ با عنوان فرشته زمین، به ویژه مشیت قلمروهای طبیعی را بر عهده دارد که در آنها عنصر زمینی تفوق دارد، زیرا که زمین، «مخلوق» فرشته اوست. زمین همان است که در خود می‌پذیرد. ظرف پذیرنده مایع فرضی و اثرات کرات آسمانی، و نقش زن را در قبال مرد بر عهده دارد.» (کربن، ۱۳۸۳: ۱۳۱)

نقش بانوان در ارتباط با این مهین فرشته اهورایی (سپندارمذ) و صورت تمثیلی زهدان زمین و زن است و در قالب مثالی آن یعنی سفره‌ها



بطور کل و سفره‌های نذری به ویژه نمایان می‌شود. همچنین سفره‌های آئینی، مراسمی، موسومی و ملی مانند نوروز، مهرگان، سده، عقد، گواه‌گیری، گاهنبارها و ... تجلی می‌نماید که همه آنها گواه بر بستر زمین است پاک و مطهر و به صورت نمادین یا سمبلیک در مقابل مزرعه سفید یا سبز به درون خانه کشیده شده و مانند صورت ازلی (آسمانی و مینوی خود در جهان برین) زمینی شده و پس از چیدن ملزومات دیگر و خواندن اوراد و اذکیه و توسل به تمام امشاسپندان، فروهرها ایزدان و در جهان شیعه خداوند، پیامبران و معصومین و ذکر مصایب و

سوگهای جان‌گداز اهل بیت سفره و غذاها و میوه‌ها و آجیل‌های آن متبرک شده (فراوانی الهی) و سوگ به اتمام رسیده (محصول خرمن شده) و سرور و شادمانی شروع می‌شود و ناگهان هوا و فضای اندوه و غم و اشک و زاری و نیاز تبدیل به جشن می‌گردد و پس از خوردن و سهم بردن برای خانه توسط میهمانان که تمثالی از همیاران مزرعه می‌باشند دختران جوان (دم بخت) در وسط اتاق نشسته و سفره برچیده شده بر سر آنها تکان داده می‌شود تا آنها بار امانت زمین را از فرشته زمین سپندارمذ تحویل گرفته و خود را برای مسئولیت آینده آماده نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت ۱۳۸۰.
- چایلد، گوردون، سیر تاریخ، ترجمه احمد بهمنش، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۴۶.
- خمینی، روح‌ا...، توضیح‌المسائل (بی تا).
- دورانت، ویل جیمز، تاریخ تمدن مشرق‌زمین گهواره تمدن، ج اول، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: علمی فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
- رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: بهجت، ۱۳۸۰.
- فریزر، جیمز جورج، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: موسسه آگاه ۱۳۸۳.
- فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه انسان‌شناسی، تهران: آگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- کُربن، هانری، ارض ملکوت، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: طهوری، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دهم، ۱۳۷۴.
- لاهیجی، شهلا و کار، مهرانگیز، شناخت و هویت زن ایرانی، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ سوم ۱۳۸۱.
- مزداپور، کتابیون، سروش پیرمغان، تهران: ثریا ۱۳۸۱.
- نیکنام، کورش، از نوروز تا نوروز، تهران: فرَوهَر ۱۳۷۹.
- وهاب، ولی، حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، تهران، مؤسسه امیرکبیر ۱۳۶۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روشننگ

شماره ۷

۱۲